عنوان مقاله: ترکان و ایران در عهد خسرو انوشیروان

نویسنده : رضا، عنایت الله

پژوهش و مآخذ:

یکی از جهات عمده‏ی تاریخ و تمدن ساسانی رابطه ایران‏ و ترکان است که تاکنون باندازه‏ی کافی روشن نشده است. پژوهش در زمینه تاریخ ترکان توجه بسیاری از دانشمندان را به‏ خود معطوف داشته است.

طی دویست سال گذشته گاه‏وبیگاه کوششهایی در این‏ زمینه انجام شد.در سال هیجدهم میلادی کشیشان فرانسوی به‏ ترجمه نوشته‏های تاریخی چین پرداختند که از دیدگاه پژوهش‏ تاریخ ترکان حائز اهمیتی بسزا است.

پروفسور دگین‏1استاد دانشگاه سوربن بر مبنای همین‏ نوشته‏ها در نیمه سده هیجدهم«تاریخ هونها،ترکان و مغولان» را در چند مجلد به رشته تحریر کشید.

در جمهوری فدرال آلمان دانشمندی بنام لیومائو-تسزای‏2 (1)- Deguignes:ẓHistoire des Huns...Ẓ

(2)- Liu Mau-tsai:ẓDie chinesischen Nachrichten...Ẓ

چند سند تاریخی

-1- سوادنامه شاه سلطان حسین‏1 در تبریک جلوس مصطفی خان دوم‏[سال 1106]

تبارک الذی له ملک السموات و الارض و ما بینهما و عنده‏ علم الساعة و الیه ترجعون‏2،

ستایش و نیایش بلا انتها و گزارش‏ حمد بیحد و احصا جهان داوری را سزاست که بمشیت سبحانی‏ و ارادت صمدانی جهت تمشیت نظام جهان جمعی از نوع انسان‏ را در هر زمان و مکان مطیع فرمان فرمانروایی و بنا بر استحکام‏ مبانی احکام یزدانی و تشیید قواعد دین مبین دیانی در هر ایام‏ صاحب احترامی را مطاع خلق مقام و زمانی ساخته تا صفات کمال‏ و هستی ذات عدیم الزوالش بر همگنان ظاهر و عیان و بامتثال‏ مثال بیمثال و قبول مقال حقیقت مال،

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة3

رضای روندگان دیار نیستی‏ بقضای واهب وجود و هستی نمایان میگردیده باشد.

(1)-آرشیو نخست‏وزیری ترکیه:دفترنامه همایون ج 5-ص 38-232

(2)-سوره الزخرف-85

(3)-سوره الفجر-28

تعالی اللّه زهی بی‏مثل و مانند که خوانندش خداوندان خداوند غم و شادی نگار بیم و امید شب و روزآفرین ماه و خورشید طبایع را بقدرت کارفرمای‏ کواکب را بصنعت گوهرآرای

و صلوة مشکبوی عنبرزا و سلام مالا کلام عطرفزا که از جنات النعیم‏

سلام قولا من‏[رب‏]رحیم‏4،

در ارتیاح آمده باشد هدیه محضر انور و موقف ضیاگستر سریرآرای تختگاه سماک سرافراز فراز قباب افلاک و آتش‏اندوز رموز معرفت ما عرفناک ادب‏آموز حقایق‏ و دقایق و ارسلناک قابض قبضهء قاب قوسین،رسول الثقلین و سید الکونین:

محمد شفیع سیاه و سفید کزو پشت بر کوه دارد امید ره‏آورد آن شاه اقلیم وجود ندارم بکف تحفهء جز درود

و تفخیمات نامعدود و تکریمات عبیرآمود تحفهء مقام مطهر و مزار مهرپرور ولی فرزانه خدای یگانه،یگانه ائمهء دوازده‏گانه‏ باب شهرستان معالم جناب احمدی فصل الخطاب کتاب شریعت‏ مستطاب محمدی سیف اللّه الباتر السالب و اسد اللّه القاهر الغالب‏

شهاب ثاقب یعنی علی بن ابی طالب‏ که ایزدش پی افکندن بتان برداشت‏ ضیاء روضه‏اش از شمع محفلی باشد که نخل وادی ایمن فروغ از آن برداشت

و بر آل نیکوکردار و اولاد احفاد اطهار ابرار و اصحاب‏ کبار اخیار رسول مختار که مفاد منطوقه«معرفة آل محمد براءة من النار»و مصداق مصدوقه

«الذین معه اشداء علی الکفار5»

اند باد.

علی اللّه فی کل الامور توکلی‏ و بالخمس اصحاب العباء توسلی‏ علی ارواحهم تحف الهدایا من اللّه الذی خلق البرایا

(4)-سوره الصافات-58

(5)-سوره الحجرات-29

سپس لوازم سپاس ایزد ذی الجلال و تقدیم شرایط درود خاتم‏ رسل و آل جواهر زواهر تحیات صفا سماتی که در معادن تحیة من عند اللّه مبارکه طیبة تنویر پذیرفته تعویذ بازوی اقبال مصون‏ از اختلال را شاید و درر غرر دعوات صدق آیاتی که در اصداف‏ بحار

«اجیب دعوة الداع اذا دعان‏6»

تلالؤ یافته عقود چهرهء شاهد حسنای صداقت عدیم المثال را زینت افزاید یا برید خوش‏رفتار موافقت بر دوام و قافله سالار کارگزار الفت و التیام متحف‏ مجلس بهشت ارتسام و مهدای محفل مینو نظام اعلیحضرت فریدون‏فر کشورگیر قیصر خورشید افسر جمشید نظیر پادشاه صاحب احتشام‏ سکندر بارگاه خسرو بهرام انتقام ستاره سپاه،برازندهء گاه منیر سلیمانی زینت‏بخشای اورنگ سلطنت مصیر عثمانی جهانبان‏ ممالک‏ستان جالس مسند انوشیروان شهریار گردون هیون محمدی‏ مذهب خدیو مشتری شگون مصطفوی لقب،درهء فاخرهء تاج شاهی‏ و فرماندهی،زیب‏افزای دواج فرهی و شاهنشهی.

شهنشاه جهان شاه جوان بخت‏ که بر خوردار باد از تاج و از تخت‏ جهان‏بخش آفتاب هفت کشور که دین و دولت از وی شد مظفر سریرافروز اقلیم معانی‏ ولایت گیر ملک زندگانی‏ جمال ملک رانی خرم از وی‏ اساس زندگانی محکم از وی

فرمانفرمای زمین و زمان آیت مبین ملک منان مشید اردکان- الخلافة الکبری ممهد بنیان السلطنة العظمی.حافظ ثغور الاسلام‏ و الایمان ما حی آثار الجور و الطغیان قرین ذی القرنین فی الرشد و الرشاد.وارث خدمة الحرمین الشریفین من الاباء و الاجداد، (6)-سوره البقره-186

معین الملهوفین و مغیث المظلومین،السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان،نظاما للسلطنة و الجلالة و الابهة و البسالة و النصفة و العدالة و العظمة و الشأن و الحشمة و الاحسان سلطان‏ مصطفی خان بن سلطان محمد خان اعز اللّه سریر الملک بوجوده و افاض علی کافة الانام آثار عدله وجوده گردانیده بر رأی ملک‏آرای‏ مودت‏فزای شاهانه و ضمیر منیر مهر تنویر مصالحت اقتضای پادشاهانه‏ که نمونهء جام جمشیدی و آیینهء جهان‏نمای اسکندری است منطبع‏ میدارد که:

چون به مضمون

«کل من علیها فان»7

هر گل نشاطی از گلبن‏ انبساط چیدنی و این بساط بسیط غبرا از زیر قبه زرنگار خضرا برچیدنی و منایای نازلهء آسمانی و بلایای منزلهء ناگهانی بهر منزل و مکانی رسیدنی و رخسارهء مکروه اجل به هزاران گونه و جل‏ در فنای شهرستان فنا و دار الملک عاجل با امید وفا به معنای‏

«توفون اجورکم‏8»

در سرای اجل دیدنی است به موجب مصدوقهء

«اللّه یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها فیمسک‏ التی قضی علیها الموت و یرسل الاخری الی اجل مسمی‏9»

قضیه‏ نامرضیه و داهیه غم‏اندوز غم غفران توامان آن و الاشان السایر فی‏ بحبوبة الجنان صبت علیه شابیب رحمة الرحمن در ترک دارایی دار هالک پر مهالک دنیی و تخییر تسخیر ممالک مسرت مسالک عقبی‏ وقوع یافته،هر فریق این دیار را غریق بحار عمیق غموم و گرفتار اقسام آلام و هموم ساخته بود که درین اثنا پیک هاتف‏ (7)-سوره الرحمن-26

(8)-سوره آل عمران-185

(9)-سوره الزمر-42

جان‏بخشای غیب نوید فرخ انتمای طراز افسر با فر والا و تخت‏ فیروزبخت پرزیب و بها از سعادت‏انگیزی سر خجسته اختر گرد و نسا و گهرریزی اقدام فیروزی فرجام میمنت‏پیمای آن‏ خسرو نصرت لوا از نبردش عالم لا ریب به اشارت بشارت‏نمای‏

«و ما جعله اللّه الا بشر و لتطمئن به قلوبکم‏10»

به گوش هوش و سامعه‏ بهجت نیوش رسانید و غلغل سرور و جوش و خروش حبور گوشزد مستمعان مجامع انس و جان از زبان پیر و جوان مبارک باد این موهبت بی‏پایان و دعای استقامت نیز ذات با برکات آن حامی‏ حوزه ایمان در بیت الشرف سلطنت نیاکان جهت رفاه عالمیان‏ مسموع مسامع ملکوتیان گردید.

چون جهان زو گرفت فیروزی‏ فرخی بادش از جهان روزی‏ همه روزش خجسته باد بفال‏ پادشاهیش را مباد زوال

جلوه‏نمای پیشگاه خاطر مهرآگین گشته خواهد بود که‏ پیوسته اقتفاء احکام دین مبین و ایفای به عقد عهد و یمین جبلی‏ شیمه رضیه و فطری سجیه مرضیه اسلاف کبار و تبار عالی مقدار آن خلاصه نتایج اولین و آخرین که مستبشر بامر بشارت مقرون‏

و من اوفی بعهده من اللّه فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به‏11

گشته‏اند بوده در عهد سعید ایشان خلل و نقصان بارکان‏ مرصوصة البنیان آن راه نیافته است.و نواب همایون ما زیاده‏ برسوالف ایام انزجار بنهی لازم الاهتمام

و لا تنقضوا الایمان بعد توکیدها12،

را پیشنهاد نهاد والا داشته حکام و زمینداران ممالک‏ (10)-سوره الانفال-10

خاقانی در احتراز از ارتکاب منهیات ربانی محکوم حکم قدر آیات‏ خسروانی بوده و می‏باشند.شایسته شأن آن جالس سریر عرش‏ نظیر عثمانی که حارس بیضه اسلام و حافظ قوانین شریعت سید الانام علیه و اله الصلوة و السلام‏اند،چنان می‏نماید که در رسوخ‏ اساس عدیم الاندراس میثاق بذل همت خورشید اقتباس و مرزبانان‏ آن مرز بوم را انذار بفرمان قضار سوم

«اوفوا بعهدی اوف بعهدکم‏ و ایای فارهبون‏13»

فرمایند که تجاوز از قرارداد سلاطین داد اعتیاد سلف علیهم کرایم التحف جایز نداشته در عذوبت منهل‏ وفاق و اتفاق میکوشیده باشند.

و چون آمد شد رسل و رسائل وسایل اتحاد روحانی و بانی‏ مبانی دوستیهای جنانی و قیام به مراسم تعازی و تهانی رسمی‏ است باستانی درینولا از غایت ود و الفت و نهایت محبت و صداقت‏ ایالت و شوکت پناه ابو المعصوم خان شاملو که از صوفی‏زادگان‏ قدیم این آستان ملائک پاسبانست ازین سدهء سنیهء والا و عتبهء علیهء سمیا بر سفارت تعیین و بخدمت سراسر سعادت گزین و درگاه فلک‏ پیشگاه عرش‏آیین مرسول و بعضی سخنان زبانی بزبان دانی او موکول گردید که التئام زمین جلالت و انجام امور رسالت نموده‏ رخصت انصراف یابد و بصوب مراجعت شتابد.

ترقب آنکه همواره گلزار بی‏خزان مو آنست و التیام را برشحات اقلام مصادقت ارتسام محسود بهشت مینا فام ساخته‏ باشارات مودت آیات محرم سلسله موالات بوده باشند.

الهی تا نشان از تخت و تاجست‏ ز تخت و تاج عالم را رواجست‏ بزیر پای تخت شاهیش باد به تارک تاج ظل اللهیش باد.

تاریخ ندارد.

-2- سوادنامهء اعتماد الدوله(صدر اعظم)شاه سلطان حسین‏ به‏ اسماعیل پاشا والی بغداد1

نویاوهء بوستان مودت و ولا و گلدسته گلزار صدق و صفا اعنی رقیمهء بدیمه و نمیقهء منیمه عالیجناب نصفت قباب حشمت‏ انتساب وزارت و ایالت پناه ابهت و جلالت دستگاه بسالت و شهامت‏ انتباه عالیجاه آصف بلندرتبت و جلالت دستگاه بسالت و شهامت‏ عالی‏مقدار امیر الامراء العظام،کبیر الکبراء الفخام نظاما للایالة و الجلالة و المعدلة و البسالة و العز و الاقبال اسمعیل پاشا رسیده‏ مشام خیر استشمام دوستی و صداقت و دماغ محبت سراغ یکجهتی‏ و عطوفت را معطر و معنبر ساخت.

و شرحیکه مشتمل بر سرکشی و طغیان اعراب فضول و بادی‏ و تعیین سرکرده جهت تنبیه و تأدیب آن گروه شقاوت‏پژوه و وقوع محاربه و مجادله و انهزام آن طایفه بی‏عاقبت و تفرقه‏ ایشان بست الکاء لرستان و معاذیر بیگذر بیگی جلی الشأن آنجا سمت نگارش یافته بود بعرض نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف‏ اقدس ارقع اعدل اجل اکرم امنع همایون اعلی-که جانم فدای‏ نام و جهان بکامش باد-رسیده،بنابر رعایت دوستی و وداد و ملاحظهء قوانین یک جهتی و اتحاد که فیمابین این دو پادشاه‏ والاجاه انجم سپاه خورشید کلاه ممهد و متحقق است و همواره‏ صلح و صلاح در امور کلیه و جزئیه بر وجه لایق منظور و ملحوظ اولیای دولت قاهره بوده،ارقام مطاعهء واجب الاطاعه باسم امرا (1)-آرشیو نخست‏وزیری ترکیه.دفتر همایون ج 5-ص 6-343.

و حکام آن حدود شرف صدور یافته،که هرگاه اعراب مذکوره‏ داخل حدود ممالک محروسه شده باشند حمایت ننموده هیچ‏یک از ایشان را نزد خود نگاه ندارند و در هر باب آداب دوستی و وفاق‏ و صلح و اتفاق را مسلوک دارند.

چنانچه بر آن وایافتهء رموز کنوز حکومت و ملک‏داری ظاهر و مبرهن شده مدتهاست که اعراب حدود بصره و بغداد پا از دایرهء اطاعت و انقیاد اعلیحضرت فلک‏رفعت گردون بسطت‏ خورشید خاصیت سلطان الغزاة و المجاهدین قهرمان الماء و الطین‏ خاقان البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر ذی القرنین،سالک طریق ظل اللهی پادشاه اسلام پناه ظل اله بیرون‏ گذاشته،سالک طریق مخالفت و خودرایی و ساعی در لوازم شیطنت‏ و هنگامه‏آرایی میباشند.و جمعی که در عرض این چند سال‏ گوشمال محاربه و جدال سپاه منصور این خاندان عظمت و اقبال‏ خورده ناچار پا بدامن عجز و انکسار پیچیده‏اند بمقتضای خواهش‏ طینت خبیثه خود در مقام شیطنت که سرشتهء ذات و خمیره صفات‏ ایشانست خواهند بود،و از آنجا که باعتبار موافقت لون و زبان‏ و لباس و نشان فیمابین مطیع و عاصی ایشان ما به الامتیازی‏ چندان نیست،و اگر سپاه آن رفیع الشان با فوج و نشان و کثرت‏ لشکر و اعوان از معابر وسیعهء ممالک متعلقه بایران بهشت نشان‏ ارادهء ورود بصره نمایند،احتمال قریب آنکه آن گروه شقاوت‏ پژوه خود را بلباس دوست آراسته دشمنی و نوعی نمایند که وقوع‏ این امبر ملبس بلباس خدعه و مکر موجب نفار خاطر طرفین و مکروه طبع جانبین شده،ایشان را فرصت اظهار ما فی الضمیر بدست افتد،و چنانچه با معدودی از شوارع و مسالک ممالک محروسه عزیمت دخول بصره نمایند با آنکه مظنه مزبوره درین‏ صورت نیز احتمال وقوع دارد چون بعد از ورود آن رفیع مکان‏ سپاه منصور که مدتها بزحمات مقاتله و محاربه و حفظ ثغور از اعراب پر شروشور تجشم نموده‏اند توقف نخواهند نمود،و جنود آن عالیشان راقوت محافظت بصره و قلاع و حصون تابعهء آن بطریق‏ خلیل پاشا نخواهد بود،رنج چند ساله قزلباش نصرت تلاش که‏ با آلاف الوف مواجب و انعام جنود مسعود و بذل اموال و مهج غیر محصور و معدود در راه رعایت دوستی و وداد یگانگی و اتحاد مصروف شده ضایع و نابود خواهد بود.

درین صورت مناسب شیوهء کاردانی و آگاهی آنکه آن عالیمقدار اولا بدفع و رفع و تنبیه و تأدیب خود سران و اشرار آن دیار پرداخته‏ ایشان را بنحوی که دیگر یا رای مخالفت و منازعت نباشد و خاطر از خدیمت و مکاید ایشان بالکلیه مطمئن و آسوده باشد پرداخته، بعد از حصول اطمینان از جانب ایشان با فوج و لشگر بسیار از معابر و مسالک آن دیار بنوعی که حسب الواقع محافظت قلاع و حصون و دفع شرور اشرار توانند نمود داخل شوند که مستحفظین‏ الکاء مزبور نظر بمراعات قواعد قدیمهء دوستی و یگانگی بی‏شایبه‏ مضایقه و اکراه بآن عالیجاه سپرده بدربار اقبال معاودت نمایند. ایام شوکت و جلالت مخلد و پاینده باد.